



آیا می‌توان وراثت را از ارث محروم کرد؟

اختلاف بین پدر و مادر و فرزندان، یا ترک زندگی خانوادگی یا اختلافات دیگر بستگان، همگی از موجباتی است که کسانی بخواهند تا مانع ارث‌بری وراثت از آنها پس از مرگشان شوند.

اختلاف بین پدر و مادر و فرزندان، یا ترک زندگی خانوادگی یا اختلافات دیگر بستگان، همگی از موجباتی است که کسانی بخواهند تا مانع ارث‌بری وراثت از آنها پس از مرگشان شوند.

موضوعی که البته در میان عوام هم بسیار شایع بوده و تصور بر این است که اختیار محروم کردن از ارث در قانون وجود دارد. اما آیا شرایط اینگونه است؟

قواعد مربوط به ارث، نحوه تقسیم اموال بین وراثت و سهم هر یک از وراثت در ماترک متوفی از جمله احکامی است که به طور ویژه در قرآن کریم مورد اشاره شارع مقدس قرار گرفته و از این جهت، جزو قواعد و احکامی است که عدول از آنها به هیچ وجه جایز نیست. برای همین هم، موضوع ارث باید با دقت و حساسیت ویژه و برای مورد بررسی قرار گیرد.

ظرف دارایی وراثت؛ های افراد

هر فردی با زنده متولد شدن، دارای یک ظرف اعتباری حقوقی برای دارایی وراثت؛ های می‌شود که در این ظرف، مجموع دارایی وراثت؛ های مثبت (اموال و بستانکاری وراثت؛ ها) و دارایی وراثت؛ های منفی (بدهکاری وراثت؛ ها) در طول عمر فرد وارد می‌شود؛ وقتی فرد از دنیا می‌رود، این ظرف اعتباری از شخصیت وی جدا شده و به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل، با عنوان وراثت؛ ترکه وراثت؛ یا وراثت؛ ماترک وراثت؛، به حیات خود ادامه می‌دهد. پس از فوت فرد، باید حساب و کتاب اموالش رسیدگی شود و از ظرف دارایی وراثت؛ های ابتدا هزینه کفن و دفن، هزینه وراثت؛ های درمانی وراثت؛؛ احتمالی وراثت؛؛ اش، حقوق خدمه و کارگزارانش، بدهی وراثت؛ های دارای حق وثیقه و بدهی وراثت؛ های عادی وراثت؛؛ اش، مهریه همسرش و سایر وصیت وراثت؛؛ های انجام شود؛ سپس اگر چیزی در این ظرف باقی ماند، به عنوان ارث بین وراثت؛ قابل تقسیم است.

اگر زن و شوهری با شرایطی که در فقه و قانون مقرر شده یکدیگر را وراثت؛ لعن وراثت؛ کنند و در مدت عده طلاق، یکی از آنها فوت کند، دیگر از یکدیگر ارث نمی‌برند و لعان موجب محرومیت از ارث می‌شود.

افراد تا زمانی که زنده و در قید حیات هستند، حق همه گونه دخل و تصرف در اموال و دارایی وراثت؛ های خود را دارند، می‌توانند اموالش را منتقل کنند، یا ببخشند یا حتی تلف کنند؛ مالشان است و اختیارش را دارند. اما به محض اینکه یک نفر فوت می‌کند و از عالم فانی به عالم باقی می‌رود، دیگر اختیاری برای دخل و تصرف در اموالش را ندارد و همانگونه که گفته شد، ظرف اعتبار اموالش از فرد متوفی جدا شده و زندگی مستقلی پیدا می‌کند. فرد متوفی اگر تا زمان فوت برای اموالش تصمیم نگرفته باشد، تنها برای میزان محدودی از اموالش از طریق وصیت تصمیم وراثت؛ گیری کند؛ در واقع متوفی در صورت داشتن وصیت وراثت؛ نامه می‌تواند بعد از مرگش در خصوص یک سوم اموالش دخل و تصرف کند، بیشتر از این مقدار دیگر در صلاحیت متوفی نیست و وراثت؛ هستند که باید در خصوص آن تصمیم بگیرند.

حال در شرایطی که متوفی حق محدودی برای دخالت در اموالش دارد، آیا می‌تواند یکی یا چند نفر یا همگی وراثت را از ارث محروم کند؟

امکان محرومیت از ارث

فرد تا زمانی که زنده است می‌تواند همه گونه دخل و تصرفی در اموال خودش داشته باشد. برای مثال فردی که خانه و اموال متعدد و اموال زیادی دارد، تا در قید حیات است، می‌تواند به موجب سند رسمی یا هرگونه انتقال قطعی، اموالش را به نام دیگران انتقال دهد؛ هیچ‌کس هم نمی‌تواند به او اعتراضی داشته باشد. زیرا مال خودش بوده و اختیارش را داشته است. البته باید توجه داشت که عمر دست خداست و کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند چه زمانی مسافر آخرت است تا بر اساس آن تصمیم گرفته و اموالش را تقسیم کند؛ اما بهر حال معنی برای این تقسیم وجود ندارد.

حال اگر فردی، در زمان حیات خود اقدامی برای انتقال اموالش نکرده باشد، دیگر اختیار عمل سابق را نداشته و تنها می‌تواند برای پس از مرگش وصیت کند؛ البته وصیت نسبت به کل اموال امکانپذیر نبوده و تنها نسبت به یک سوم اموال، امکان وصیت کردن وجود دارد. بر همین اساس، ماده ۸۴۲ قانون مدنی مقرر کرده است که «وصیت به زیاده بر ثلث ترکه، نافذ نیست مگر به اجازه وراثت و اگر بعضی از ورثه اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است».

از سوی دیگر، قواعد ارث جزو قواعد امری و شرعی بوده که تخطی از آن جایز نیست و بنابراین وقتی سهم زوجه در صورت داشتن فرزند یک هشتم از عین اموال منقول و قیمت اموال غیرمنقول تعیین شده، این سهم قابل تغییر نیست.

اما اگر متوفی بخواهد به برخی وراثت سهم کمتری برسد، می‌تواند تا یک سوم اموال را به نفع سایر وراثت وصیت کند تا به کسی که مد نظر اوست، سهم الارث کمتری برسد؛ بنابراین محرومیت کلی افراد از ارث امکانپذیر نیست.

محرومیت‌های قانونی از ارث

همانطور که گفته شده، مورث (متوفی) به طور کلی حق محروم کردن افراد از ارث را ندارد اما در پنج مورد، قانون و شرع مواردی را تعیین کرده است که در صورت وقوع، افراد به حکم شارع از ارث محروم می‌شوند. اولین مورد محرومیت از ارث در خصوص «قتل» است. اگر وارثی، مورث خود را به قتل برساند از ارث محروم می‌شود. شاید یکی از حکمت‌های چنین حکمی در حقوق اسلامی، جلوگیری از طمع‌کاری فرزندان یا کسانی که ارث می‌برند برای تصاحب سریعتر اموال متوفی باشد؛ در واقع کسی نمی‌تواند برای اینکه زود به ارث برسد، مورث را به قتل برساند، زیرا قتل مانع ارث بردن است.

دومین مورد در خصوص ارث بردن کافر از مسلمان است. بر اساس ماده 881 مکرر قانون مدنی، «کافر از مسلم ارث نمی‌برد». البته عکس این موضوع صادق نیست و اگر کافری فوت کند و در بین وراثش، شخص مسلمانی باشد، فرد مسلمان از کافر ارث می‌برد. سومین مورد از موارد محرومیت از ارث، «ولدالزنا» است. اگر فرزندی در اثر یک رابطه نامشروع از زن و مردی متولد شده باشد، متولد زنا از پدر و مادر خود ارث نمی‌برد و از این لحاظ از ارث محروم است.

چهارمین مورد هم در خصوص «لعان» است. بین زن و شوهر است. اگر زن و شوهری با شرایطی که در فقه و قانون مقرر شده یکدیگر را «لعن» کنند و در مدت عده طلاق، یکی از آنها فوت کند، دیگر از یکدیگر ارث نمی‌برند و لعان موجب محرومیت از ارث می‌شود. در آخرین مورد هم، اگر فرزندی به واسطه لعان از سوی پدرش نفی می‌شود، دیگر نه پدر از فرزند ارث می‌برد و نه فرزند از پدر ارث می‌برد. البته اگر پدر از لعان رجوع کند، در این صورت فرزند می‌تواند از پدرش ارث ببرد ولی باز هم پدر از فرزندش ارث نخواهد بود.